

نویسندگان مشهور دوره قاجاریه

نادر میرزا و تاریخ تبریز

بقلم آقای محمد علی قوسی

زندگانی نادر میرزا مرحوم نادر میرزا یکی از شاهزادگان ادیب و دانشمند دودمان قاجاریه میباشد که بتصریح خود در مقدمه تاریخ تبریز و در ترجمه حال مختصری که در آخرین صفحه نسخه خطی «تهذیب اصلاح المنطق» نوشته روز جمعه اول ماه رمضان سال ۱۲۴۲ در استرآباد متولد شده است.

پدرش بدیع الزمان میرزا ملقب بصاحب اختیار مدت سی سال از طرف فتحعلیشاه قاجار حکمران و بیگلریکی دشت ترکمان بوده و جدش محمد علی میرزا معروف بدولت‌شاه دومین فرزند فتحعلیشاه است. مادرش جهان سلطان دختر حسام السلطنه محمد تقی میرزا از پسران فتحعلیشاه و جدّش که مادر بدیع الزمان میرزا باشد دختر شاهرخ میرزا نواده نادرشاه افشار و فاطمه سلطان بیگم دختر شاه سلطان حسین صفوی است و نادر میرزا در چند جا از نوشته های خود باین دو نسبت آخری که بسادات و پادشاهان نامدار صفوی و افشاری میپیوندد مباحثات و افتخار میکند.

این شاهزاده دوران کودکی خود را تا هفت سالگی در استرآباد بسر آورده و چون

۱ - این نسخه از کتاب تهذیب اصلاح المنطق در دوره حیات شاهزاده جزو کتابهای وی بوده و او در تاریخ تبریز در شرح حال خطیب تبریزی باین مطلب اشاره میکند: «او اصلاح المنطق ابن سکیت را تهذیب کرده و آن کتاب از بقیه تاراج بمانده کتابی یرفع است».

نادر میرزا این شرح حال را در سال ۱۲۹۹ نوشته و یک سال قبل از آن گویا در نتیجه خصومتی که محمد رحیم خان نسچی باشی حاکم آذربایجان با نادر میرزا داشته بدستاورهای چند دستور توقیف اموال و تاراج خانه او را صادر میکند. این نسخه فعلاً در کتابخانه شخصی آقای حاج محمد آقا نخبجویی در تبریز موجود است.

در ۱۹ جمادی الآخره ۱۲۵۰ فتحعلیشاه در اصفهان فوت میکند و شاهزادگان قاجار که اغلب حکومت ایالات را در دست داشتند با پادشاهی محمد میرزا و لیمهد ایران مخالفت آغاز میکنند و یکمده از آنان بسوی طهران رهسپار میشوند بدیع الزمان میرزا نیز استرآباد را ترک گفته با خانواده خود راه پایتخت را پیش میگیرد.

پس از آنکه محمد شاه در مقام سلطنت مستقر میشود و صدارت ایران را بمیرزا عباس ایروانی معروف بحاجی میرزا آقاسی میدهد بدیع الزمان میرزا مأموریت آذربایجان یافته و بدان سو حرکت میکند ۱.

نادر میرزا با مادر خود تا پانزده سالگی در طهران بوده است. در این مدت خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را تحصیل میکند و در سال ۱۲۵۷ چون مادر نادر میرزا برای دیدار همسر خود از شاه اجازه خواسته و بتبریز می آید نادر میرزا نیز باین سرزمین منتقل میشود و در تبریز مانده نخست بتحصیل علوم پرداخته سپس عهده دار امور دیوانی میشود.

۱- بدیع الزمان میرزا پس از رسیدن بتبریز مانند هشت نفر دیگر از شاهزادگان قاجار که در آذربایجان محبوس بودند توقیف وزندانی میشود، جرم این شاهزادگان مخالفت باسلطنت محمد شاه بود و عبارت بودند از: ۱- علی میرزا ظل السلطان برادر اعیانی نایب السلطنه عباس میرزا که در زمان فتحعلیشاه او را نخست برافه آوردند و بعد از مدتی باردیبل بردند ۲- حسینی میرزا شجاع السلطنه برادر اعیانی حسینی میرزا فرمانفرمای فارس که پس از وفات فتحعلیشاه فرمانفرمای خود را شاه خواند و برادر کوچکش سیه سالار لشکر شد - نصره الدوله فیروز میرزا برادر محمد شاه به پیشکاری منوچهرخان معتمد الدوله مأمور دستگیری این دو برادر گردید و بسوی شیراز حرکت و آنها را با آسانی اسیر نموده بطهران فرستاد نزدیک طهران شجاع السلطنه را از دو چشم نابینا کردند و روانه اردیبل ساختند ۳- حسام السلطنه محمد تقی میرزا جد نادر میرزا که از دوره حیات پدرش فتحعلیشاه فرمانده خوزستان و ولایت بروجرد بود ۴- رکن الدوله علیقلی میرزا که زمانی والی خراسان و پس از آن حکمران قزوین بود ۵- امام وردی میرزا کشیکچی باشی برادر کوچک هدین رکن الدوله ۶- شیخعلی میرزا حاکم ملایر و توسرکان ۷- محمود میرزا حاکم نهاوند ۸- حشمة الدوله محمد حسین میرزا فرزند محمد علی میرزا دولت شاه ۹- بدیع الزمان میرزا ۱۰

این نه نفر در قلعه اردیبل بودند تا اینکه ظل السلطان و رکن الدوله و کشیکچی باشی از آنجا فرار کرده بروسیه پناهنده شدند شش نفر دیگر را بتبریز آوردند و در آنجا تحت نظر بودند ۱۰

کتابخانه

برائش عشق و علاقه سرشار این شاهزاده مخصوصاً در زبان و ادبیات عربی و فارسی بر تمام مشکلاتی که برای طالبان علم در آن دوره متصور بوده فائق آمده و در مدت ده سال شب و روز در خدمت چند نفر مدرس و استاد بر معلومات و محفوظات خودی افزایش داد و چون پدرش فوق و استعداد او را می بیند در فراهم آوردن وسائل و خرج پول در راه تعلیم فرزند خود داری نمیکنند.

از جمله کسانی که نادر میرزا در فنون ادب از آنها استفاده کرده یکی: «دبیری بوده که نه ادیب ملامهر علی نام ۱ از بومیان شهر با قدی خمیده» که پدرش روزهای جمعه او را دعوت میکرد و شاهزاده «از هنگام ناهار شکستن تا یک گاه بغروب مانده با حرصی تمام از آن پیر لغت و مسائل صرف و نحو زیادی میپرسیده» دیگری میرزا احمد مجتهد و دو فرزند او میرزا لطفعلی امام جمعه و میرزا جعفر بودند که اگر ایشان را هم در راه میدید: «ملازم خدمت آنها میشد تا یک مسئله یا شعری از ایشان استفاده میکرد و چون مجتهد ذهن و ذوق او را پسندیده بوده بدیع الزمان میرزا سفارش میکند که حیف است این جوان استعداد خود را در راه کسب علم بیفکند مصرف کند» بهتر است استادی تعیین کنید که علم و ادب را با قواعد و قوانینش بوی بیاموزد. پدرش نیز جوانی را از اهل طسوج بنام ملا محمود ۲ که: «بر نائی مؤدب و هوشیار و دانشمند بوده و ذهنی صافی و خاطری وقاد داشته» با موافقت مجتهد بتعلیم وی میگرداند. در این دوره شاهزاده را «جز جمع آوردن کتب و فرا گرفتن علم حرفه‌ای نبود» بزودی معلومات

۱- ملا مهر علی از فضایل معروف تبریز بوده و در اشعار که بزبانهای عربی و فارسی و ترکی میسروده نفوی تخلص میکرده قصیده معروف او در مناقب حضرت علی بطلمع:

ها علی شریف بشر
ره به تجلی و ظهر

در بعضی کتابهای ادبی نقل شده و این رباعی از اوست:

آن کیست که خاطر مرا شاد کند
وین کردم از بند غم آزاد کند
یا خرج عروسم بگردن گیرد
یا آنکه مرا بخوش داماد کند

در اواخر سلطنت محمد شاه بن هشتاد و تبریز وفات یافته.

۲- میرزا محمود ملا باشی از استادان لغت و شعر بوده و بتعلیم مظفرالدین میرزا ولیعهد اشتغال

داشته و در سال ۱۲۹۰ وفات یافته است.

کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

وی بیشتر شده و در حل اشعار عرب و امثال جاهلیت مهارت پیدا میکند و نصیب خود را از علم و دانش بر میگیرد.

در بیست و پنجسالگی برای تأمین زندگانی آینده خود و تشکیل خانواده با اشاره پدر وارد خدمت دیوانی شده، مدت چهار سال در خدمت مظفرالدین میرزا ولیعهد بامور مختلف مالی از قبیل وصول حقوق دیوانی و تنظیم دفاتر و نظارت خالصجات مشغول بوده است.

در سال ۱۲۹۸ که محمد رحیم خان قاجار نسقچی باشی بحکومت و امارت نظام آذربایجان منصوب شده و تبریز می آید نادر میرزا کارهای دیوانی را ترک گفته میخواهد سالهای آخری عمر خود را با آزادی بسر برد ولی در این امر توفیق نمی یابد زیرا که در سال ۱۳۰۲ از طرف مظفرالدین میرزا کارهای چندی باو محول میشود تا روز چهارشنبه دهم صفر سال ۱۳۰۳ وفات می یابد.

آثار نادر میرزا

نادر میرزا نه در تراجمیکه از احوال خود نوشته نه در هیچ جا از تاریخ تبریز اسمی از تألیفات دیگر خود نمیدرد، مؤلف

المآثر و الآثار در فصل علما و نویسندگان در صفحه ۱۹۷ در باب او شرح ذیل را مینویسد: «فاضلی کامل بوده شاهد واحد این دعوی کتابی است که در انواع اطعمه و الوان اغذیه ایرانی و کیفیت طبخ و ترکیب و ترتیب هر یک از آنها و خورشها و هرگونه پختنیهای مردم این مملکت از اهالی حضاره و ایلات رحاله فراهم نموده و بفارسی خالص بر نگاشته و زمینه مطلب را از روی فرزانشکی رهانی قرار داده و عبارات را بیات و امثال و نوادر و اخبار و اشعار برآراسته خدایش از طعامهای بهشت بخوراند که بکاری بکر بر خورده و رنجی معتد به برده».

مرحوم میرزا محمدعلیخان تربیت نیز در تذکره «دانشمندان آذربایجان» پس از سطور فوق در شرح حال نادر میرزا مینگارند: «مرحوم نادر میرزا غیر از کتاب طبایخی مجموعه نفیسی هم بعنوان نوادر نادری در امثال عرب و کتابی در لغات تشریح اعضای انسان عبری و کتاب دیگر بفارسی خالص در تاریخ تبریز نوشته است کلیات

تألیفات آن شاهزاده در نزد اولاد وی موجود و نسخه لغات تشریحش جزو سلسله کتب لغات نگارنده حاضر است.

پس چنانکه از گفته‌های فوق برمی آید نادر میرزا علاوه بر تاریخ تبریز آثار دیگری نیز دارد که اگر روزی منتشر شود مورد استفاده اهل فن و ادب قرار خواهد گرفت.

تاریخ تبریز^۱

تاریخ تبریز مجموعه مطالعات و مشاهدات و مسموعات منابعیکه در تألیف آن مورد استفاده تاریخ و جغرافیای تبریز و آذربایجان از خانواده‌های مشهور و قدیمی و از مطلعین و اسناد موجود حکومت آذربایجان بدست مؤلف رسیده است. این یادداشتها و اسناد را نادر میرزا در مدت چهار سال که در تبریز بوده گرد آورده است و در سال ۱۳۰۰ (موقعیکه از خدمات دیوانی برکنار بوده) آنها را بشکل کتاب مرتب و مدوّن ساخته، در سالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ نیز تجدید نظری در آن کرده و مطالبی افزوده است. از منابع مشهور تاریخی که مؤلف در کتاب خود بآنها اشاره کرده یا مطالبی از آنها نقل میکند عبارتند از:

وفیات الأعیان ابن خلکان، تاریخ الکامل ابن اثیر، تزهة القلوب حمدالله مستوفی تحفة النظائر ابن بطوطه، جلد قاجار ناسخ التوازیخ، روضة الصفای ناصری، آتشکده آذر،

۱. قسمتی از این کتاب که در سال ۱۳۲۳ قمری بقصد چاپ نوشته شده بوده چهارینج سال قبل در طهران بسمایه کتابخانه اقبال بچاپ سنگی طبع شده و عنوان آنرا تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز بضیبه شرح حال بزرگان قرار داده‌اند و مرحوم لسان الملك سیهر مقدمه تکلف آمیزی بر آن نوشته بوده است. این نسخه مطبوعه علاوه بر اغلاط و سقط هائی که دارد تقریباً از نك كتاب اصلی خالی است. نسخه مصحح و مکمل تاریخ تبریز نزد آقای ادیب السلطنه است و نسخه نگارنده که بنظور طبع مهیا شده از روی نسخه اخیر استنساخ گردیده است.

سفرنامه ناصر خسرو، سیاحتنامه شاردن فرانسوی، تذکره ملاحشری ۱، عمده‌الطالب فی انساب آل ابی طالب، تاریخ عالم آرای عباسی، تاریخ جهانگیری ۲، تاریخ جهان‌نما (ترکی)، تاریخ سلانیک (ترکی)، تاج التواریخ، قاموس فیروز آبادی، سفرنامه بدلیسی در تاریخ اکراد و غیرها

از اشخاصیکه در تألیف تاریخ تبریز مساعدت قلمی کرده مرضی میرزا عموزاده نادر میرزا و کتابدار کتابخانه ولیعهد است که اوصاف و تاریخچه ابنیه تاریخی تبریز را با شرح قسمتهای مختلف و مصالح ساختمانی آنها بتفصیل نگاشته و نادر میرزا عین نوشته‌های وی را در ذیل نام هر یک از این ابنیه نقل میکند. و نیز از کسانیکه در این راه کمک‌های مادی و معنوی فراوانی بنادر میرزا کرده حاجی میرزا کاظم و کبیرالرعایا است ۳ که علاوه بر اینکه کتابخانه شخصی خود را در اختیار نادر میرزا گذاشته قسمت

۱- تذکره حشری مشهور بسامی‌الاسامی کنایست در تاریخ گورستانهای تبریز و مقابر اولیاء علما و بزرگانیکه در آن مدفونند مطالب عمده آن روایات و داستانهائیکه مؤلف یا در کتابها خوانده یا از دیگران شنیده است و بدون توجه بر است یا دروغ بودن آنها را نقل کرده است نادر میرزا در باب این کتاب چنین مینویسد: «من آن کتاب را سراسر بخوانده ام چون نرسیدیم و بیشتر افسانه دانستم اعتماد را نشاید ندانم از کجا این گفتارها فراهم آورده». بیشتر مندرجات آن ارزش تاریخی ندارد. این کتاب در سال ۱۳۰۳ قمری در تبریز بچاپ رسیده است.

۲- تاریخ جهانگیری معروف بتاریخ نو تألیف جهانگیر میرزا فرزند نایب السلطنه عباس میرزا است نادر میرزا در چند جا از تاریخ خود مطالبی از آن نقل کرده و در شرح حال مؤلف آن چنین نوشته است: «این امیر زاده بدان روزگار که از دیده ناپیدا بود تاریخی املا کرده از سال ۱۲۴۰ که سی سال از شاهنشاهی خاقان اعظم قاجار بگذشته بود سال بسال تا آغاز سال ۱۲۶۷ از هجرت با عبارتی نیک و خالی از اغراق و تمقید چونانکه نصیحی سخن گوید بحضرتی و چاهه سراید. این نامه ذیلی بود بتاریخ عبدالرزاق یک دنیلی که یک قرن از تاریخ خاقان بزرگ نوشته آن نامه نسختی مفرد داشت اکنون در همین محضر موجود است و نام آن تاریخ جهانگیری نهاده.

۳- خانواده و کبیرالرعایا از خانواده‌های مشهور تبریز بودند و سالیان دراز و کالت رعیت و مالیات آذربایجان بعهده آنان محول میشد حاجی میرزا کاظم و کبیرالرعایا مردی دانشمند و خدا شناس و از دوستان اران خاندان امامت بوده و بر اثر بندل و بخشش بدرماندگان و حسن رفتار خانه اش پناهگاه عموم طبقات تبریز بوده است و بنا بنوشته نادر میرزا کتابی در انساب آل ابی طالب نوشته بود: «با شرح و بسط کامل که تاکنون کتابی بآن کمال در علم انساب تصنیف نشده». تاریخ تولد و کبیرالرعایا ۱۲۴۶ قمری و وفاتش در سال ۱۳۴۱ میاشد در سال ۱۳۰۰ قمری با اشاره حسنعلخان امیر نظام کلله و دمنه را تصحیح کرده و سال ۱۳۰۵ در مطبعه سنگی بقط میرزا باقر خوشنویس بطبع رسانده است.

مهمی از مناشیر و احکام دیوانی آذربایجان را که از زمان نادرشاه باینطرف درخصوص عزل و نصب حکام و ترفیع و تقدیر عاملان و سررشته داران نگاشته شده و در نزد وکیل الرعایا مضبوط بوده بنادر میرزا سپرده و اوهم آنها را در تاریخ تبریز نقل کرده و باینوسیله بر ارزش تاریخی کتاب خود افزوده است.

علاوه بر فقرات فوق بطوریکه از فحوای کلام نادر میرزا در ضمن شرح حال این مرد خیر خواه برمی آید تاریخ تبریز بخواهش و تشویق وی نوشته شده و بآخر رسیده است و مؤلف در مقابل این نیکوئیها کتاب خود را بوکیل هدیه کرده است.

تاریخ تبریز با انشای استادانه و بی تکلف تقریباً بفارسی خالص شبیه بسبک مورخین قدیم مخصوصاً بیهقی نگارش یافته است. نویسنده آن بتواریخ مهم فارسی و کتب ادبی گذشتگان نظر داشته و سفرنامه های اروپائیان را که بایران مسافرت

سبک و نگارش و
ارزش تاریخی
تاریخ تبریز

کرده و اطلاعاتی در باره تاریخ و جغرافیای تاریخی آذربایجان و تبریز میدهند مطالعه کرده، ترجمه های کتب مورخین قدیم روم و ارمنستان را دیده، از مجموعه مطالعات خود سبک مستقلی در تاریخ بوجود آورده، با همان شیوه تاریخ خود را شروع کرده و بیابان رسانیده است.

از بهترین نمونه های ادبی تاریخ تبریز نوادر و اتفاقات تاریخی است که بشکل حکایات با عبارات سلیس و روان در تمام فصول کتاب خواننده را مجذوب میکند.

نادر میرزا بسبک جدید تحقیقات علمی در تاریخ آشنا بوده و وقتی از نوشته ها و گفتگوهای دیگران مطلبی مینویسد نظریات انتقادی خود را نیز اظهار میکند و با دلایل علمی صحت و سقم آنها را ثابت کرده و اقوال اغلب مورخین را که بیشتر جنبه تاریخی ندارند رد میکند. مثلاً در جائیکه از بنای تبریز و علت تسمیه آن باین اسم سخن میراند نوشته های تاریخ نوسان اسلامی که بنای تبریز را به زبیده نسبت میدهند و نام

۱. متأسفانه در باب سبک انشاء تاریخ تبریز نادر میرزا ما با عقیده و سلیقه آقای محمدعلی قوسی توافق نداریم زیرا که سبک نگارش این کتاب بسیار مصنوع و متكلف است و مؤلف در فارسی نوشتن سبکی بکلی ساختگی اختیار کرده و همین جهت در باره ای قسمتها عبارت اوست و مهوع و بعضی اوقات نامفهوم است.

«تبریز» را باشکال مختلفی ضبط کرده اند با نوشته‌های مورخین و جغرافیون قبل از اسلام ارمنستان و روم مقایسه کرده و چنین نتیجه میگیرد که پیش از ظهور اسلام در همین محل فعلی تبریز آبادیهای بزرگی بوده و از چندین قرن قبل از میلاد آثرویاتها در این سرزمین حکمرانی کرده اند.

همچنین روش وی در نگارش تاریخ معاصر و سلسله قاجاریه از روی حقیقت و راستی میباشد و بطوریکه خود وعده میدهد: «این نامه را بیارایم بدان مایه دانش که خداوند مرا عطا فرموده و هرچه گویم از گذشته‌ها خداوند داند جز راستی نگویم ازیرا که نبشته ماند و مرد رود کجا رواست که دروغ و کزافهای چند زخم؟ پس از ما خردمندان خوانند اگر ما را فرزندی یا فرزند زاده درجهان باشد آشکار یا نهان گویند این از دوده آن دروغ زن است که نام را نامه‌ای نوشت و چنو نبود. نزد پروردگار نیز معذور نباشم بدان مثال که ما امروز بکتاب و مورخان گذشته بسیار گوئیم و گواها زیم چون این نامه بخوانی و نیکو بیندیشی نکته‌ها بینی از نمونه این سخن». وقایع را از روی کمال بی طرفی مینویسد، از جمله در جائیکه از کریمخان زند صحبت میکند کاردانی و رعیت نوازی او را می ستاید و از دشمنی و عداوتیکه پادشاهان قاجار با وکیل و طرفدارانش داشتند نمپهراسد و نیز در نوشتن داستان پناهنده شدن بهمن میرزا بدولت بیگانه به سیه و هدایت اعتراض میکند که آنان بتاریخ خود «کار این مرد را آنگونه نوشته اند که عاصی گونه شد و این برگزافه باشد از آنجا باشد که بتاریخ نوسان ما اعتمادی نیست این نوشته اند که پادشاه را خوش آید».

مقدمه کتاب با شرح حال مؤلف شروع میشود و یک چکامه

که نادر میرزا بسبب رودکی سمرقندی بمطلع:

مرا بروز جوانی لبان خندان بود

محتویات تاریخ

تبریز

زبان من بدهان همچو تیغ بران بود

در وصف ایام جوانی خود و تعریف ناصرالدین شاه و مظفرالدین میرزا و لیعهد سرود

است ختم میشود. پس از مقدمه مؤلف خطاب بوکیل الرعایا که مشوق و حامی وی بوده

مینویسد: «ای بزرگ اکنون بیاری اورمزد پاك فرمان ترا كمر استوار بر بندم و نقشی بر قرطاس بیرنگه زبم. نیاكان ترا كه یا كاندس حركاهان بمدد طلبم تا هر چه دانم توانم نكاشتن تا چهرت هدبئی پسندیده و تحفه ای شایسته باشد». سپس بفصل «بناء تبریز و بناها و الاختلاف بین المورخین» آغاز میکند. قصیده معروف قطران که دربارهٔ حدوث زلزله در ویرانی تبریز انشاء کرده و همچنین شرح مسوطی در خصوص ظهور خرم دینان و جنگهای بابك با سرداران اسلامی و گرفتاری او بدست افشین چون با موضوع این فصل ارتباط دارد نقل شده.

پس از خاتمه این فصل نادر میرزا مطالب خود را تحت عناوین ذیل بیان میکند:

فی تحقیق مکانها و محل عمارتها، فی کیفیت هوائها، فی میاهها، فی عدد ساکنها فی اسماء محالها و مایعلق بها، فی طول التبریز (کذا!) و عرضها، فی ابنیه القدیمة و الجدیة بها، در یاد کردن مقایر و گورستانهای قدیم و جدید تبریز، شعرا و حکمای تبریز، فصل در نژاد ایل جلیل دنبلی و ذکر بزرگان این طایفه که بآذربایجان دارائی کرده اند، فصل در بیان یاد داشت حکام و فرماندهان که بر روزگار شاهنشاهان قاجار تبریز بودند تا بدین سال که بک هزار و سیصد و یک از هجرت است، فصل در بیان فوآ که تبریز و انواع آن، فصل در عادات و آداب زندگانی تبریزیان بکوتاه تر سخنی، گفتار در خاندانهای بزرگ که بدین مصر مبارک وطن دارند، گفتار در یاد کردن پادشاهان و فرماندهان که در قرون خالیه تا امروز بتبریز حکمرانی کرده اند، گفتار در نمودن حقوق دیوانی تبریز و نواحی آن که بر روزگار شاهنشاه خاقان کبیر نهاده اند، ضمیمه در تاریخ اکراد.

عیب بزرگ این کتاب در اینست که مطالب آن بدون رعایت نظم و ترتیب و تقسیم بندی نوشته شده است، موضوعات تاریخی و جغرافیائی و جغرافیای تاریخی کاملاً مخلوط است و در تفکیک و تنظیم آن نه تنها قواعد علمی مراعات نشده بلکه مندرجات آن فعل بندی کتب تاریخی و جغرافیائی قدیم را نیز فاقد است.

وقتی مؤلف بمناسبتی نام شخصی را ذکر میکند و یا اسم جائی را میبرد داشته گفتار را رها کرده شروع بشرح حال آن شخص و یا توصیف آن محل میکند و چه بسا

اتفاق می‌افتد که اصل موضوع فراموش شده و مطلب ناقص می‌ماند. مثلاً در جائیکه از مسجد کبود صحبت میکنند نامه جهانشاه بن قرایوسف را که در باره حجاج ایرانی بشریف مکه نوشته نقل میکنند و یا در فصلی که از حکماء و دانشمندان تبریز گفتگو میکند «صفت ربیع رشیدی» را بیان می‌سازد در صورتیکه فصل جداگانه‌ای برای توصیف ابنیه تاریخی اختصاص داده است.

این قبیل اشکالات باعث میشود که خواننده نتواند بطوریکه شایسته است از مندرجات مفید و مشروح این کتاب استفاده نماید.

**نواقص و مطالب
زیادی کتاب**

علاوه بر نقصی که در بالا بدان اشاره شد، تاریخ تبریز دارای دو عیب دیگر نیز هست یکی از آنها اینست که مؤلف بسیاری از وقایع تاریخی مهم اشاره مختصری کرده ورد میشود برعکس

بعضی قسمتها را که چندان اهمیت و ارزش تاریخی ندارد با شرح و بسط کامل بیان میکند دیگر اینکه مطالب زیاد خارج از موضوع که هیچگونه ارتباطی با تاریخ و جغرافیای آذربایجان و تبریز ندارد در تألیف خود می‌آورد. اینک برای روشن شدن مطلب بچند فقره از آنها اشاره میشود.

۱ - در فصلی که تاریخ پادشاهان و فرماندهان آذربایجان را مینوسد با علم و اشاره بتاریخ قبل از میلاد و پیش از اسلام بجز ذکر نامهای پادشاهان مطالب بیشتری بدست نمیدهد. در حالیکه این قسمت از تاریخ تا آئروز در هیچیک از کتابهای تاریخی آنان از فارسی و عربی ذکر نشده و برای اولین بار نادر میرزا در نتیجه مطالعه کتب مورخین و سیاحان روم اطلاع یافته بود و لازم مینمود که از سرگشت و تاریخ آنان معلومات مشروحو نقل کند.

۲ - جائیکه از عادات و آداب زندگانی یا باصطلاح امروزی از تاریخ تمدن تبریز صحبت میکند تنها بتوصیف آداب و رسوم جاریه عصری پرداخته و بادی از مدنیت و اصول اجتماعی گذشته بمیان نمی‌آورد.

۳ - در شرح حال حاجی میرزا کاظم وکیل الرعایا پس از شمردن اجداد او شروع

بذکر تاریخ اسباب حصرت رسول اکرم (ص) میکند که کوچکترین ربطی بتاریخ تبریز و موضوع کتاب ندارد.

۴- در فصل انبیه تاریخی تبریز شرح مشبعی از سرچشمه رود نیل و طفیان آن بنقل از سفرنامه ناصر خسرو مینویسد و علت آنرا چنین بیان میکند « که در سایر کتب فارسی بتفصیل آنرا نیاورده اند! »

مزیایای تاریخ
تبریز
اگر از نواقص فوق صرف نظر کنیم میرسیم بیک عده مزایای
که علاوه بر جنبه ادبی و انشای استادانه در این کتاب موجود است
یکی از آن محسنات آوردن متجاوز از صد فقره فرامین و احکام
تاریخی است که از جانب نادرشاه افشار، شاهرخ میرزا، کریم

خان زند، آقا محمد خان قاجار، فتحعلیشاه و نایب السلطنه عباس میرزا فرمانداران
و حکام و علمای آذربایجان ارسال شده این اسناد و دستور العملها برای تحقیقات در
باره اوضاع سیاسی و اجتماعی صد و پنجاه سال اخیر آذربایجان و بالطبع اوضاع مدنی
ایران در این مدت شایان اهمیت و اعتبار است.

حسن دیگر کتاب اطلاعات تاریخی است که ضمن شرح حال شاهزادگان و امرای
قاجاریه و چهار تن از پادشاهان قاجار (از آقا محمد خان تا ناصرالدین شاه) بدست
میدهد و شرح خیلی مفصل از تاریخ حکامیکه از زمان زندیه تا جنگهای ایران و روس
در آن سوی رود ارس حکومت کرده و با قاجاریه روابط خانوادگی داشتند بیان میکند.

دیگر از مزایای کتاب مطالب مشروحو می است که در خصوص انبیه تاریخی تبریز
(مسجد کبود، ارگ علیشاه، شنب غازان و رشیدیه) از نوشته های مرتضی میرزا عمو
زاده خود که از روی کمال دقت و اطلاع تهیه شده نقل میکند.

بالاخره از امتیازات غیر قابل انکار این کتاب ذکر تاریخ و شرح احوال افراد
مشهور خانواده های معروف و قدیم آذربایجان (مانند دنیلی ها، خانواده وکیل الرعایا
خانواده های سادات و علمای تبریز) میباشد. قسمت عمده آنها از نوشته های بزرگان
معاصر این خاندانهاست که بخواهش نادر میرزا برای تکمیل تاریخ تبریز نگاشته اند.

همراه تاریخ تبریز نادر میرزا شرحی است از طغیان و شورش اکراد بریاست شلیخ عیدالله و حمله آنها باورمیه و سایر اتفاقات مهمی که در این ناحیه بوقوع پیوسته و مدتها تکرانی خاطر ناصرالدین شاه و فرمانداران آذربایجان را فراهم آورد و باعث وقوع يك عده حوادث تاریخی گردید از زبان یکنفر «دبیر دانشمند که در همه جا حاضر و ناظر بوده است» .

این حادثه از وقایع مهم دوره قاجاریه است و بتاريخ عمومی ایران بستگی دارد ما در آینده نظریات خود را درباره علل شورشهای اکراد و موضوع این نوشته نادر میرزا و اهمیت آن بیان خواهیم نمود . ۱۰

۱- پس از این شرح بسیار مقید آقای قوسی بعنوان نمونه از کتاب تاریخ تبریز نادر میرزا فصول مفصل چندی راجع ببرزو محمد خان امیر نظام و میرزا تقیخان فراهانی امیرکبیر و جهانگیر میرزا و خسرو میرزا و حاجی فرهاد میرزا معتد الدوله و محمد رحیم میرزا ضیاء الدوله و عزیز خان سردار کل و دو واقعه مهم تاریخی از زمان جنگهای ایران و روس نقل کرده اند که ما بعلت طول آن منقولات و ضیق صفحات مجله و بیشتر بعلت چاپ شدن تاریخ تبریز از درج آنها خود داری کردیم هر کس مایل است میتواند نسخه چاپی این کتاب در عنوانهای فوق رجوع کند .

ذیلا عناوین فصولی را که آقای قوسی نقل کرده اند نقل و صفحات کتاب تاریخ تبریز چاپی را بدست میدهیم :

- | | |
|-------------------------------------------------|--------------|
| ۱- امیر نامدار محمدخان امیر نظام | صفحه ۴۳ - ۴۶ |
| ۲- میرزا تقی خان فراهانی | ۵۲ - ۵۰ |
| ۳- جهانگیر میرزا و خسرو میرزا | ۳۸ - ۳۷ |
| ۴- حاجی فرهاد میرزا معتد الدوله | ۷۶ - ۷۵ |
| ۵- محمد رحیم میرزا ضیاء الدوله | ۱۱۳ - ۱۱۲ |
| ۶- عزیز خان سردار کل | ۲۱۰ - ۲۰۶ |
| ۷- فصل در باب جنگهای ایران و روس | ۲۵۲ - ۲۵۰ |
| ۸- چندین حکایت شیرین . نهد از مواضع مختلفه کتاب | |